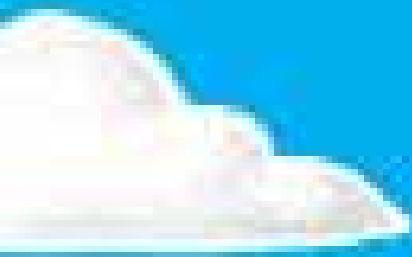


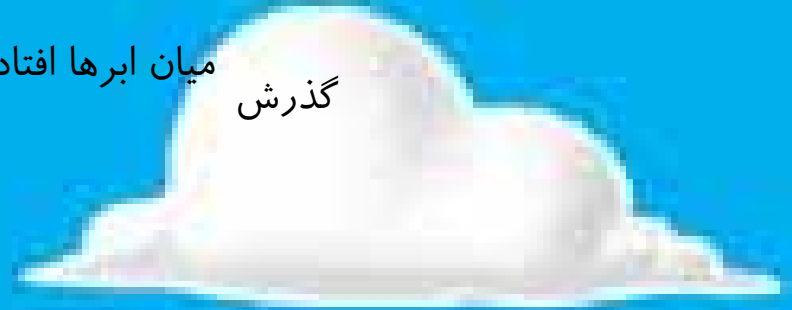


در دل آسمان،  
بچه ابری

تک و تنها زندگی می‌کرد.



تا این که  
روزی پروانه‌ای  
میان ابرها افتاد.  
گذرش



دیدن پروانه‌ای به این زیبایی،  
فکر بکری

به سر بچه ابر  
انداخت.



دست کرد توی ابر کنار دستش، مشتی ابر برداشت،  
و با آن برای خودش

پروانه‌ای ساخت،